



لبخند

به یه خانم میانسال لبخند زدم
با کیفش زد تو سرم!
به یه آخوندی لبخند زدم گفت:
استغفرالله!
به یه آقای محترم لبخند زدم گفت:
برو به قبر بابات بخند!
به بابام لبخند زدم گفت:
پدر سوخته پول کم آوردی یا زن میخوای؟
به مامانم لبخند می زدم میگه:
نکبت حتماً باز با دوس دخترت قرار داری؟
حالا باز هم بگین لبخند بزنی!!!

امروز تصمیم گرفتم از خونه که اومدم بیرون
به همه لبخند بزنم و این هم نتایجش:
به یه دختر خانم لبخند زدم گفت:
مرتیکه از سنت خجالت نمیکنی؟
به یه آقا پسر جوان لبخند زدم گفت:
پدر جان من اینکاره نیستم
به یک پیرزن لبخند زدم گفت:
مگه خودت مادر نداری؟
به یک پیرمرد لبخند زدم گفت:
رو آب بخندی منو مسخره میکنی!!؟

کلاس فارسی

معلم: وقتی می گوئیم: «دانش آموزان کلاس تکلیف های خود را با میل انجام می دهند». «میل» در این جمله چه نوع کلمه ای است؟
دانش آموز: اجازه! حرف اضافه!!

تعداد بچه ها

اولی: ببینم تو چند تا بچه داری؟
دومی چهار انگشتش را بالا می آورد و می گوید: ۳ تا!
اولی: اما این که ۴ تاست.
دومی: وا! بچه همسایه این جا چه می کند!

امرار معاش

سعید به دوستش محسن: برادرت که به خارج رفته، از چه راهی امرار معاش می کند؟
محسن: از راه نویسندگی.
سعید: چه می نویسد؟
محسن: هر ماه به پدرم نامه می نویسد تا برایش پول بفرستد.

پلیس ۱۱۰

الو آقای پلیس لطفا کمک کنید یه غریبه وارد خونه ما شده.
پلیس: شما مطمئن هستید؟
صاحبخانه: می خواهید گوشی را بدهم با خودش حرف بزیند؟

مادر: علی بیا اسفناج بخور آهن دار
علی: آخر مادر جان الان آب خوردم می ترسم زنگ بزنی!

الا ای یار دیجیتالی من!
تو هستی باعث خوشحالی من
به قصد ساعد سیمین ساقی
به تو برخورد کردم اتفاقی
تو را در فیسبوکم اد نمودم
خودم راپ یش پایت سد نمودم!
ز من ارسال کامنت از تو هم لایک
تو بودی عاشق بولگاری و نایک!
علاقه بین ما کم کم فرا شد
بساط لیلی ومجنون به پاشد
میان وایبر و واتس آپ و بی تاک
برایم تانگو می رقصی خفن ناک!
می آبی هر زمان با یک قر و فر
مدل کردی خودت را چون جنیفر!
شدم عاشق ولیکن عاشق از دور
زدی درکار سخت افزار بدجور!
دوباره کار وپارم زار گردید
که نرم افزار، سخت افزار گردید!
مرا کردی اسیر دام سایر
برایم می کنی غش توی وایبر!
مرا هی می بری رویاسواری!
لب چشمه مرا جا می گذاری!
تلف شد عمر من، اما مجازی
هدر شد زندگی در شهر بازی!
زمانی عشق مجنون وایبری شد
که طعم بوسه هم استیکری شد!!

یدالله گودرزی

بچه خواهرم ۸ سالشه ۵۰۰ هزار تومان
دادن به مربی استخرش تا بهش شنا یاد
بده!

اونوقت من بچه بودم بابام منو هل داد تو
استخر، گفت سعی کن زنده بمونی

مرد با کنایه به زن گفت چرا زن ها، در
هر کاری کمتر از مردها موفق می شونند؟
زن در جواب گفت برای اینکه خانم ها،
خودشان زن ندارند تا در کارها کمک شان
کند.

اخه چرا با این موجودات حاضر جواب
بحث می کنید!

افسر: خانم شما با سرعت غیر مجاز
رانندگی می کردید.

- خواهش می کنم بزارید برم، من معلم
هستم الان کلاسم دیر میشه.

افسر: معلم؟ یه عمر منتظر این روز بودم،
حالا شروع کن هزار بار بنویس «من دیگه
با سرعت غیر مجاز رانندگی نمی کنم.»

تعطیلات عید خود را چگونه گذرانید؟؟؟

به نام خدا
در کنار پریز شارژ